

تیمسار مدنی را بشناسید!

تیمسار مدنی می خواهد در رضا خان دوره ما باشد

کشور از هرج و مرج دست به کودتا زده اند، آنها همیشه اعلام می کنند که برای استقرار حکومت قانون کودتا کرده اند. رضا خان نیز بقیه در صفحه ۵	کودتاجپانی که تاکنون به انکای ارتش و با حمایت امپریالیست ها در کشورهای زیر سلطه جهان روی کار آمده اند. همواره می گفتند که برای حفظ نظم و نجات همه نظامیان و	مدنی نماینده سرمایه داران وابسته است. مدنی تیمسار ارتش در همه مصاحبه های خود از نظم و انضباط دم می زند. همه نظامیان و
---	---	---

چرا کاندیدای مجاهدین خلق حذف شد؟

و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران موقعیت جناح بازرگان و دیگر لیبرال ها را تضعیف کرده بودند و از همین رو آنها نتوانستند از شکسته شدن ولایت فقیه به حد کافی بقیه در صفحه ۲	کسی تاخیر نماید چنانچه بنا ندارم کسی را رد کنیم. هرگاه توجه کنیم که متوای فوق در شرایطی صادر شد که افشاگری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"	همانطور که انتظار می رفت توجه به واقعیات ملموس، آیت الله خمینی را بر آن داشت تا با نادیده گرفتن اصل ولایت فقیه اعلام نماید: "اینجانب بنا ندارم از
---	--	---

خواب بنای سیرین آقای بنی صدر

با واقعیت های جامعه ما فرسنگها فاصله دارد

ایران جریان دارد و هدف آن بازپس گرفتن زمین های دهقانی است که در زمان بنی صدر در مصاحبه های مطبوعاتی و سخنرانی های رادیو - تلویزیونی خود، نظریات خویش را اعلام داشته است که مختصرا به برخی از نظریات او اشاره می کنیم. بنی صدر آنجا که در باره وضعیت کشاورزی نظری می گوید:	مطلبه زمین کشاورزی هم مطرح نیست. وقتی قرار باشد ۴۰ میلیون هکتار زمین دیم و آبی را زیر کشت ببریم به هرکس که زمین بخواهد، می توان واگذار کرد. بنا بر این اگر دولت از همان آغاز می گفت که زمین کشاورزی فراوان است و هرکس که خواهان کار باشد در اختیارش قرار می گیرد این کشت و کشتارها در روستاها بر سر زمین هم به وجود نمی آمد. اظهار نظرهای آقای بنی صدر از این حدود فراتر نمی رود و آنچه که به چشم می خورد تمایل به نادیده گرفتن مبارزه ای است که امروز در تمام روستاهای	بنی صدر در مصاحبه های مطبوعاتی و سخنرانی های رادیو - تلویزیونی خود، نظریات خویش را اعلام داشته است که مختصرا به برخی از نظریات او اشاره می کنیم. بنی صدر آنجا که در باره وضعیت کشاورزی نظری می گوید:
---	---	--

چگونه مرز دوستان و دشمنان مردم را در هم می ریزند!!

همانگونه که در شماره های ۴۰ و ۴۲ نشریه "کار" متذکر شده ایم، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی هدف های زیر را که در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق هایمان اهمیت اساسی دارند دنبال می کرد:

تقویت و تحکیم صفوف نیروهای بترقی و ضد امپریالیسم و افشا و منفرد کردن کاندیداهای وابسته به احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال که در شرایط فعلی پایگاه عمده امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند چه در مبارزه انتخاباتی و چه در هر مبارزه دیگر سازمان ما این هدف ها را پیگیرانه تعقیب خواهد کرد. مبارزه در راه تقویت صف نیروهای ضد امپریالیست و مبارزه در راه نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا یعنی مبارزه در راه نابودی نظام سرمایه داری وابسته مبارزات است که باید توسط ما و دیگر نیروهای انقلابی پیگیرانه تعقیب شود. ما می گوئیم وظیفه مبرم همه انقلابیون تقویت و تحکیم صفوف خود برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و در راس همه در شرایط فعلی مبارزه با احزاب و محافل و عناصر وابسته به سرمایه داران لیبرال است.

هرکس بگوید مبارزه با گرایش های ارتجاعی حاکم است عمده است به ناگزیر در خدمت احزاب و محافل لیبرالی در آمده و در صف بختیارها قرار می گیرد. ما می گوئیم مبارزه با بختیارها و دوستان و همکاران قدیمی اش بازرگان ها و مدنی ها که سخنگویان طبقه سرمایه دار ایران هستند عمده است. مبارزه علیه نیروهای عمده است که از سرمایه داری وابسته دفاع می کنند و طرفدار آن هستند. بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی ایران

با چه کسانی سازش دارد

و با چه کسانی خصومت می کند؟

نام مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران از فهرست نامزدهای ریاست جمهوری اسلامی ایران حذف گردید. چرا در یادار مدنی ها که سالها سجده گاهشان پیشگاه "اعلیحضرت همایونی" شان بوده است، پاسدار خون هزاران شهید خلق و پرچمدار دفاع از حقوق و خواست های طبقات زحمتکش و محروم جامعه شناخته می شوند، اما انقلابیونی که در شکنجه گاهها و میدان های اعدام در برابر دژخیمان آریامهری ساواک مردانه ایستادند، سرتسلیم پیش نیاروند و هیوار ه شهادت در راه مردم را با آعوش باز پذیرا شدند، صلاحیت انتخاب شدن را ندارند.

چرا در جمهوری اسلامی ایران، که وثیقه خون دهها هزار کشته و صدها هزار زخمی است، کسی که جاسوس می شود و کسی هم چوون مهدی بازرگان که از روی دوستی با آمریکا قیام بهمن ماه را "مصیبت بزرگ" می خواند، کسی که مردم زحمتکش و زاغه نشین را - چون سر پناهی برای گذران زندگی می خواهند - دزد و چاقوکش "می نامد" به نخست وزیری انتخاب می شود و هنوز هم عضو برجسته شورای انقلاب اسلامی ایران است، اما آنان که جان بر کف، سلاح بر چنگ گرفتند و یادگان ها بقیه در صفحه ۷

در این شماره:

رئوس بر ناعه حداقل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۴

هراس از تقویت نیروهای انقلابی

یا رای ندادن به قانون اساسی؟

در صفحه ۳

اقدامات ضد دمکراتیک و حیانت روستائیان راه را برای انتخاب جیبی باز کرده است

در صفحه ۷

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهای که در راه آزادی و دمکراتیک مبارزه میکنند

چگونه مرز دوستان و دشمنان مردم را ...

بقیه از صفحه ۱

در عین حال وقتی که آیت الله خمینی و جمیع پیروان ایشان به لیبرالها اعتماد می کنند و با آنها استی جویانه رفتار می کنند ، ضربات زبانی به جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ما وارد می سازند و این سیاست کار را به آنجا می کشاند که حتی مجریان سیاست های انحصارات امپریالیستی اجازه می یابند پست های حساس دولتی و نظامی را در اختیار بگیرند و سرنوشت مرده به دست دوستان امپریالیسم امریکا سپرده شود . ما وظیفه داریم عواقب این سیاست ها را به مردم توضیح دهیم و آنان را برای یک مبارزه پیگیر و سازش ناپذیر علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن بسیج کنیم .

اتکای آیت الله خمینی به لیبرالها و رفتار آشتی جویانه ایشان با آنها موجب شده است مردم ، که ضدیت آیت الله خمینی را با امپریالیسم امریکا قبول دارند و این ضدیت را در عمل به چشم خود دیده اند ، تیمسار مدنی ها یا قطب زاده ها و بازگان ها و امثالهم را که از نزدیکترین دوستان امریالیسم امریکا هستند به آیت الله خمینی نزدیک تر احساس کنند تا امثال مسعود رجوی ها را که در ردیف دوستان واقعی مردم میهن ما قرار دارند .

با توجه به اعتمادی که مردم به آیت الله خمینی دارند ، این سیاست ایشان موجب شده است مدنی ها و قطب زاده ها و بازگان ها هم خود را دوست مردم معرفی کنند . این سیاست مردم را در شناسائی دوستان واقعی خود سردرگم می سازد و راه را برای فریب توده ها از جانب دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا هموار می کند .

از قیام تا امروز مدام (و از جمله با حمایت از مسعود رجوی) کوشیده ایم ضد انقلاب و ضد انقلاب ، صف دوستان و دشمنان امپریالیسم امریکا و صف دوستان و دشمنان مردم را از هم سوا کرده و دوستان مردم را با همدیگر هر چه بیشتر متحد کنیم .

سازمان مجاهدین خلق ایران مانند سایر نیروهای انقلابی به این علت قانون اساسی را تأیید نکرده بودند که این قانون راه را برای تحکیم سلطه امپریالیسم و تثبیت سرمایه داری وابسته باز گذاشته است .

ما اعلام عدم صلاحیت کاندیدای مجاهدین خلق ایران را اقدامی می دانیم که صف نیروهای مترقی و ارتجاعی را در ذهن مردم برهم می زند و آنان را در شناسائی و انتخاب دوستان خود گمراه می سازد . اگر مردم حرف آیت الله خمینی را باور کنند باید مدنی را صالح و رجوی را ناصالح تشخیص دهند و چون این تصور خطای محض است ما اعلام عدم صلاحیت مسعود رجوی را بیش از همه به سود جناح سرمایه داران و دشمنان مردم می دانیم .

حمایت نیروهای انقلابی و ترقیخواه از کاندیداتوری مسعود رجوی موجب شد که حلقه پیوند جدیدی برای وحدت نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی پدید آید . با کنار رفتن وی باز هم وحدت ضد امپریالیستی نیروهای که از مسعود رجوی پشتیبانی کرده اند همچنان پابرجاست .

در حال حاضر هیچ یک از کاندیداهای کنونی نمی توانند نقش این نقطه پیوند را بازی کنند . از همین رو است که ما معتقدیم سیاست درست ، سیاستی که بیش از همه به سود جنبش خلق و متضمن منافع مردم باشد آن است که ماهمراه با اعتراض انقلابی خود به حذف مسعود رجوی از هیچ یک از کاندیداهای در دور اول نخستین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نکنیم .

حذف مسعود رجوی نشان داد که کاندیداهای دیگری هم که می توانست نقطه پیوند و وحدت همه نیروهای مترقی ، دمکرات ضد امپریالیست و انقلابیون کمونیست قرار گیرد از ادامه مبارزات انتخاباتی اشرو از نامزدیش جلوگیری می شد . ما فعلا برای دور اول انتخابات ریاست جمهوری کاندیدائی نداریم و در مورد دور دوم انتخابات هم بنا به صف آرائی نیروها و با در نظر گرفتن منافع طبقه کارگر و همچنین مصالح عموم مردم ایران نسبت به پشتیبانی از یک کاندیدا و یا عدم شرکت در رای گیری تصمیم گرفته آن را به اطلاع عموم خواهیم رساند .

چرا کاندیدای مجاهدین خلق ...

در بقیه از صفحه ۱

روحانیون با دستپاچگی به حمایت از حسن حبیبی پرداخته اند . کسی که تا چند روز پیش حرفی از او در میان نبود . فقط بعضی ها می دانستند که او در نهضت آزادی فعالیت دارد . مدنی هم پشتیبانی یک دسته از روحانیون شاهدوست را بدست آورد ، گروهی دیگر از بنی صدر پشتیبانی کرده اند و قول حمایت بر او داده اند . اختلافات و تشتت درون دستگاه روحانیت و بطور کلی تمام ارکان جمهوری اسلامی چنان شدید است که بنا بر ماهیت طبقاتی متفاوت نمی توانند روی یک کاندیدای واحد توافق کنند . آنها و طبقات مختلف (علیرغم توصیه های مکرر " حزب توده ") قادر نخواهند بود اختلافات خود را کنار بگذارند و متحد شوند . یا بعضی ها به نفع دیگری کنار روند و دیگری را تقویت کنند . اما با همه این اختلافاتی که دارند همه آنها همواره آماده اند با یکدیگر متحد شوند و علیه نیروهای انقلابی بسیج شوند و بکوشند آنها را منفرد و یا تضعیف کنند . آنها با وجود اختلاف نظرهای شدید مشترکا خواهان تصفیه نیروهای رادیکال ضد امپریالیست ، دمکرات و مترقی هستند و در مورد تحت فشار قرار دادن و حتی سرکوب انقلابیون کمونیست اتفاق نظر دارند .

جناح های هاکم که کاندیدا معرفی کرده اند وقتی دیدند که میلیون ها رای پشت سر یک کاندیدای مترقی و ضد امپریالیست و صف بندی می توانستند موقعیتشان را به خطر اندازد ، فوراً دست به کار شده و از امام فتوای دوم را گرفتند که مبنای آن حذف نام مسعود رجوی از لیست کاندیداهای بود . آیت الله خمینی علیرغم فتوای اول خود که اعلام داشت " بنا ندارم کسی را رد یا تأیید کنم " در فتوای دوم چنین گفت :

" کسانی که به تائون اساسی جمهوری اسلامی راس مثبت نداده اند ، صلاحیت تداوم رئیس جمهور بشوند . " و به این ترتیب عملاً راه را بر شرکت مسعود رجوی در انتخابات ریاست جمهوری بستند .

می دهد که آرای هیچ یک از کاندیداهای وابسته به حکومت با توجه به تضادهای اختلافات درونی آنها نمی توانست از میلیون ها رای که به مسعود رجوی داده می شد ، چندان بیشتر باشد .

آروز که رفرا ندم جمهوری اسلامی بود بازگان و شریعتمداری و مرعشی نجفی و دیگر عناصرو محافل سرمایه داران لیبرال از یک سو و تمام پیروان " خط امام " از سوی دیگر همه به جمهوری اسلامی رای دادند و مدعی شدند که ۹۸/۵ درصد آراء از آن آنهاست . روزی که نوبت رفرا ندم قانون اساسی رسید جناح سرمایه داران لیبرال که فقط در فکر تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته

به سود خود بهره برداری کنند در حالی که نیروهای صدامیریالیست و انقلابی توانستند علیرغم تمام محدودیتها و موانع ، با شرکت متحد و یکپارچه در مبارزه انتخاباتی و پشتیبانی از یک کاندیدای مترقی قدرت اپوزیسیون ضد امپریالیسم - دمکرات و مترقی را به نمایش بگذارند . پشتیبانی خلق کرد در سراسر کردستان تحت رهبری هیئت نمایندگی خود ، خلق ترکمن یکپارچه و متحد تحت رهبری ستاد شوراها و دیگر نیروهای ضد امپریالیست سایر خلق ها ، تمام اقلیت های مذهبی ، سازمان های دمکراتیک زنان ، دانشجویان ، استادان و بالاخره پشتیبانی میلیونی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مسعود رجوی جبهه های ساخت که قدرت میلیون ها توده های بیدار شده ، قدرت میلیون ها مردم به خشم آمده از ستم امپریالیسم ، سرمایه داری ، ستم ملی و نابرابری های اجتماعی و سرکوب ضد دمکراتیک و ضد خلقی را پشت سر خود داشت . قدرت متحد و یکپارچه ای که در مقایسه با جبهه مشتت مدافعان بنی صدر و حبیبی یک رقیب جدی و در برابر عوامفریبی های مویزبانسه مدنی و در برابر گججی و سردرگمی و هزاران تضاد و اختلاف درون حزب جمهوری اسلامی یعنی حزبی که قدرتمندترین حزب جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید و اکنون در آستانه متلاشی شدن قرار گرفته است ، یک قدرت فائق به حساب می آید :

با توجه به تضادهای جناح های مختلف حکومت که لحظه به لحظه تشدید می شود ، رای کاندیداهای باقیمانده عملاً شکسته شده و هیچ یک نمی توانستند بیش از چند میلیون رای بیاورند . از سوی دیگر میلیون ها رای که به نام مسعود رجوی ، به نفع اتحاد نیروهای مترقی پس از کسر تقلبات رایج به صندوق ها ریخته می شد ، طرح مشترک جناح های مختلف حکومت را بر ملا می کرد . طرحی که بنی مبنای آن می کوشند تا آنجا که ممکن است نگذارند مردم از گسترش نفوذ توده های نیروهای انقلابی و مترقی مطلع شوند یک محاسبه ساده نشان

بود ، خط خود را از جناح دیگر که می خواست مبارزه با امپریالیسم امریکا ادامه یابد سوا کرد . محافظان سرمایه داران لیبرال تحت رهبری بازگان و آیت الله شریعتمداری و غیره می دیدند که بعضی از مفاد قانون اساسی مثل سابق منافع سرمایه داران را چنانکه باید تأمین نمی کند ، بدین لحاظ از آن ایزاد گرفته ، به مخالفت با آن برخاستند . حکومت در روز رفرا ندم جمهوری اسلامی مدعی برداز پشتیبانی ۹۸/۵ درصد مردم برخوردار است . حالا که وقت انتخاب رئیس جمهور است ، آنقدر از درون متلاشی شده است که از یک سو حزب جمهوری اسلامی ایران ، حزب طراز اول حکومت بعد از کنار گذاشته شدن فارسی اعلام کرد :

" اصلا کاندیدا معرفی نمی کند " و عملاً پای خود را کنار کشیده و بیهوده تقاضای اعاده حیثیت کرده است چیزی که دیگر هرگز به دست نخواهد آورد ، از سوی دیگر در آخرین ساعات قبل از انتخابات جمع می از

*** طرح مشترک جناح های مختلف حکومت این بود که تا آنجا که ممکن است ، نگذارند مردم از گسترش نفوذ توده های نیروهای انقلابی و مترقی مطلع شوند .**

نظام سرمایه داری وابسته نابود شود



هراس از تقویت نیروهای انقلابی یا رای ندادن به قانون اساسی ؟

فارسی عمیقاً معتقد به ولایت فقیه و خود از طراحان این تئوری بود و رجوعی مثل هر عنصر مترقی دیگر از مخالفان آن .
اگر مینا و ملاک تعیین صلاحیت کاندیدا از نظر روحانیت اعتقاد وی به ولایت فقیه باشد و اگر دروغ گوئی و عوامفریبی و فرصت طلبی ملاک صلاحیت افراد نباشد پس قاعدتا باید بگوئیم همه آنها که با ولایت فقیه مخالف هستند ، باید کنار بروند . در این صورت می پرسیم چرا تنها رجوعی حذف می شود ؟ و اگر مبنای تعیین صلاحیت سوابق انقلابی و مبارزاتی است اگر مینا میزان وفاداری به مردم و دلسوزی به حال مردم محروم و ستمدیده ایران و عدم ورود به دستگاه رژیم سابق و عدم همکاری با آن

آنان نشان می دهد که هیچکدام از کاندیداها واقعا معتقد به این قانون اساسی نیستند و اگر خودشان بخواهند قانون بنویسند چیز کاملاً متفاوتی خواهند نوشت . پس چرا کاندیداها همه با قانون اساسی و ولایت فقیه ظاهراً روی موافق نشان می دهند ؟ چرا عقاید خود را می پوشانند و خود را طرفدار ولایت فقیه معرفی می کنند . زیرا خوب می دانند که فعلاً راه رسیدن به قدرت ، سازش با روحانیت و تأیید ولایت فقیه است . هیچ یک از کاندیداها با این که خودشان اصلاً به ولایت فقیه معتقد نیستند اما این را خوب دریافته اند که برای کاندیدا شدن و پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری باید خود را موافق ولایت فقیه نشان بدهند و حمایت

در آخرین روزهای کار مجلس خبرگان ، مجاهدین خلق در تلگراف به مجلس خبرگان خواستار تحدید نظر در قانون اساسی و تلویحاً خواهان کنار گذاشتن همان چیزی شده بودند که آیت الله خمینی با گفتن اینکه " بناندارم کسی را تا نایدکنم همچنانکه بناندارم کسی را ردکنم . " عملاً آن را کنار گذاشت . لازم به تذکر است که هر هفت کاندیدای ریاست جمهوری که باقی مانده اند یعنی بنی صدر ، حبیبی ، مدنی ، قطب زاده ، فروهر ، سامی و طباطبائی نیز بارها و بارها نشان داده اند که جملگی و هریک از زوایای متفاوت به ولایت فقیه معتقد نیستند . زیاد مشکل نیست که این امر را ثابت کنیم . نگاهی به

* هراس و وحشت از تقویت صفوف نیروهای رادیکال - انقلابی و هراس از همه آنهایی که می خواهند بطور رادیکال و انقلابی با امپریالیسم امریکایی مبارزه کنند ، موجب اعلام عدم صلاحیت مسعود رجوی شده است .

باشد که مسعود رجوی بنا بر سوابق موجود صالح ترین فرد میان تمام کاندیداها بوده پس چرا مسعود رجوی حذف می شود ؟ به علاوه اگر واقعا فتوای آیت الله خمینی را مینا قرار می دهند پس چرا تیمسار مدنی در یادار سابق و عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران که از فرماندهان طراز اول دوران شاه بوده و سالها بد دستگاه رژیم سابق وارد شده " و به پایتوس " اعلیحضرت " می رفته است ، صالح شناخته می شود و نام او حذف نمی گردد ؟ همه این حقایق نشان می دهند که رای ندادن مسعود رجوی به قانون اساسی ، برای حذف نام او از لیست کاندیداها فقط یک سبانه بوده است . علت مساله همانطور که توضیح دادیم چیز دیگری بوده است .
هراس و وحشت از تقویت صفوف نیروهای رادیکال - انقلابی و هراس از همه آنهایی که می خواهند بطور رادیکال و انقلابی با امپریالیسم امریکایی مبارزه کنند ، موجب اعلام عدم صلاحیت مسعود رجوی شده است .

فقیه نشان بدهند و حمایت آیت الله خمینی را نیز به دست آورند . البته باید تأکید کنیم که مخالفت این کاندیداها با ولایت فقیه از موضع منافع طبقاتی متفاوت صورت گرفته است و دسته ای از ایمان با در نظر گرفتن منافع سرمایه داری وابسته با ولایت فقیه بد مقابلته برخاسته اند . امروز حتی برای برخی از روحانیون هم اعتقاد به ولایت فقیه مطرح نیست ، زیرا ولایت فقیه اساساً با عصرکونی ، با قرن بیستم و با تمام پدیده های جهان فعلی در تضاد است .
در میان کاندیداها ریاست جمهوری تنها مسعود رجوی کاندیدای مجاهدین خلق بود که به هیچگونه ظاهر فریبی تن نداد و عقاید خود را آشکارا بر زبان راند . و حالب اینجاست که در میان کاندیداها سرشناس تنها مسعود رجوی و حلال الدین فارسی کنار گذاشته می شوند . دو نفری که واقعا به عقاید و آراء خود وفادار مانده بودند و همواره بی برده پوچی همان چیزی را می گفتند که در دل به آن معتقد بودند .

سوابق این کاندیداها و مجموعه عقاید و افکار و اظهارات آنها به سادگی نشان خواهد داد که هریک به جهات مختلف ولایت فقیه را قبول ندارند . اما نکته قابل ملاحظه آن است که همه آنها اعلام کرده اند که " بنا به مصلحت " یا " بخاطر امام " به قانون اساسی رای می دهند و در میان کاندیداها تنها کاندیدای مجاهدین خلق ایران بود که اعتقاداتش علناً دفاع کرد و بدور از هرگونه عوامفریبی و علیرغم دیگران با این که می دانست اگر علناً بگوید به ولایت فقیه معتقد نیست در آینده ممکن است نتواند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند ، با این همه به اعتقادش وفادار ماند .
ما از آیت الله خمینی و همه کسانی که طرفدار حذف نام مسعود رجوی از لیست کاندیداها بوده اند می پرسیم آیا واقعا کدامیک از ۷ نفر را از دل و جان معتقد به ولایت فقیه می دانند ؟ تمام شواهد و مدارک ، تمام سوابق و همچنین بررسی اندیشه و عقاید هریک از

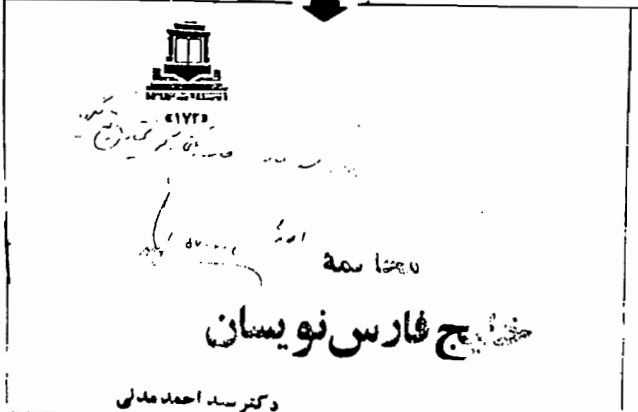
تکذیب نامه تیمسار مدنی حقایق تازه ای را برملا کرد

سناد اندهایانی سید احمد مدنی ، تیمسار سابق رژیم شاه طی اطلاعاتی که در روزنامه با مداد شماره ۲۱۰ چاپ شده ، ضمن تکذیب مطالب مندرج در " کار " شماره ۲۲ می گوید :

اعلامیه ای توسط سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر شد که دکتر سید احمد مدنی را ملهم باین تئوری که در صفحه ۸۰ کتاب طبع فارس از رضا طین تعریف کرده ، ما بدون اینکه جواب به فحاشیهای مداوم گروه فرقی بهیم جهت اطلاع ملت ایران پادآور میشویم که دکتر مدنی کتابی بنام طبع فارس تألیف نکرده بلکه این کتاب متعلق به نویسنده دیگری است و دکتر سید احمد مدنی نویسنده کتابی بنام محاکمه طبع فارس نویسنده است که انتشارات توس تحت شماره ۱۷۲ آنرا به طبع رسانیده . و منظور از نظر نویسنده بیشتر جنبه به خاور شناسی است که به اصطلاح استعمار را در جهان گسترانیده و حقایق را پهن خود و لرونه جلوه میدهد و اصولاً این کتاب بیانگر حقایق تاریخی است که استعمارگران آنرا لرونه جلوه داده اند تا شاکر تحسین رضا خان که خود نوکر استعمار انگلیس بود

اول آقای مدنی در این اطلاعیه مودبانه عوامفریبی کرده است زیرا " کار " نوشته بود که :
مدنی در سخنرانی خود که در سال ۴۲ ایراد کرده در کتابی به نام " خلیج فارس که توسط رادیکالها در ایران انتشار یافته است می گوید " شاهشاه فقیه در راه نیرومند کردن ایران سوبین ، در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن با اراده استوار به پیش تاخت . "

ناگفته بام مدنی در سخنرانی خود از رضا خان تمجید کرده است ، او جواب می دهد من کتاب خلیج فارس را نوشته ام و مذبحخانه می گوید موضوع را نوشت کند . یک بار دیگر تا کنید می کنیم که همانگونه که گفتیم این کتاب توسط رادیکالها در ایران انتشار یافته و حقایق سحرانگیزی که در آن آمده ای از سر سردگان رژیم سابق منجمه حساب در یادار مدنی است .
حقایق گذشته خود را به صرجه نمی بندد ، در مورد آن سکوت می کند و مردم را به سراغ کتاب دیگری می فرستد به نام " محاکمه خلیج فارس نویسنده " و ادعای کند که در این کتاب به حای تحسین از رضا خان - گفته است که " رضا خان نوکر



آری ، مدنی همانگونه که در صحیفه با " آری " ولو " خیرنگار " لوموند مندرک می شود " بختیار را فرد لایق و شایسته ای می شناسد " و روز دوم مهر سال گذشته کتاب " محاکمه خلیج فارس نویسنده " را با ما تقدیم می کند . بعد از آنکه هرکجا سراغ می گیریم رد پایش از رابطه مدنی با بختیار به دستمان می رسد . توجه داشته باشیم که روز دوم مهر ماه سال گذشته مدنی آن حرفها را در باره بختیار می زد .

دکتر سید احمد مدنی

خبرنگار لوموند

روز دوم مهر

سال گذشته کتاب

بعد از آنکه هرکجا

به دستمان می رسد

مدنی آن حرفها را در باره بختیار می زد

حاکمیت دموکراتیک توده ها برقرار شود

رئوس برنامه حداقل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در آستانه اولین سالگرد قیام خونین و دلاورانه خلق، نخستین دور انتخابات ریاست جمهوری در حالی برگزار می شود که خواستهای واقعی مردم ما هنوز تحقق نیافته است

نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری در آستانه اولین سالگرد قیام خونین و دلاورانه بهمن ماه برگزار می شود. قیامی که رژیم سلطنتی را نابود کرد و پیروزی آن محصول مبارزات پیگیر و قهرمانانه توده های میلیونی میهن ما بود. توده های میهن ما جان برکف گرفتند و با نثار خون خود پادگان های ارتش ضد خلقی را تسخیر کردند و رژیم جنایتکار شاهنشاهی را سرنگون ساختند. اما مبارزه هرگز به اینجا خاتمه پیدا نکرد، علیرغم میل سازشکاران و علیرغم توطئه ها و دسیسه های سرمایه داران وابسته و دوستان و جاسوسان امپریالیسم که هر یک به طریقی سعی داشتند و دارند تا جنبش را به انحراف بکشانند و توده های انقلابی را به خانه هایشان برگردانند، جنبش راه خود را ادامه داد و هر روز به طریقی قدمی به جلو گذاشت. هم اکنون طبقه کارگر که نیروی اصلی انقلاب را تشکیل می دهد هر چه بیشتر طبقه سرمایه دار ایران را که با هزاران رشته با امپریالیسم پیوند دارد. زیر ضربات خردکننده خود گرفته است. تا آنجا که کارگران در بسیاری از موارد اداره واحدهای تولید را به دست گرفتند هم اکنون دهقانان میهن ما با قدرت تمام وارد میدان شده اند تا زمین های خود را از چنگ غاصبین یعنی زمین داران بزرگ بیرون بیاورند. در این زمان، دانشجویان و دانش آموزان، کارمندان و پیشه وران و همه اقشار خلق هر چه قاطع تر برای برانداختن سلطه امپریالیسم به حرکت درآمده اند و مصمم هستند برای به پیروزی رسانیدن انقلاب دمکراتیک این بیکار را پیوسته با شدت بیشتری ادامه دهند.

سازمان ما، نوزدهم بهمن ماه سال گذشته در نهمین سالگرد تولدش و در آستانه قیام شکوهمند خلق های قهرمان ایران، خواست های واقعی توده های به پا خاسته را در برنامه حداقل خود اعلام کرد.

اینک حدود یک سال از قیام خلق های رزمنده می گذرد، اما خواست های واقعی مردم ما هنوز تحقق نیافته است.

ما بنا به ضرورت، با توجه به تغییر و تحولات یکسال اخیر رئوس خواست های واقعی توده های قیام کننده را اعلام می داریم:

۱ نظام سرمایه داری وابسته نابود شود

ج - تمام مستشاران و کارکنان امپریالیسم بدون درنگ از کشور اخراج گردند.

د - ارتش ضد مردمی برای حفظ منافع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به وجود آمده و نحوه تشکیل و فرماندهی، سلسله مراتب، شیوه آموزش، تجهیزات و تسلیحات آن، همه و همه منطبق با منافع امپریالیسم و

الف - تمام سرمایه های وابسته در تمام زمینه ها از قبیل بانکداری، صنایع، کشاورزی، حمل و نقل و غیره فوراً مصادره و ملی اعلام شوند.

ب - تمام قراردادهای روابط اسارت بار امپریالیستی در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی فوراً فاش و لغو شوند.

۲ حاکمیت دمکراتیک توده ها برقرار شود

انقلابی تشکیل می شود، عالی ترین ارگان حکومتی محسوب می شود.

ج - تمام ارگان های اجرائی برای اداره امور کشور توسط شورای عالی خلق های ایران تعیین و به کار گمارده خواهند شد. وظیفه دفاع از این حاکمیت برعهده بسیج مسلحانه

الف - ارگان های پایه ای برای استقرار حاکمیت دمکراتیک توده ها، شوراهای انقلابی خلق می باشند. که در جریان مبارزه در کارخانه، مزرعه و دیگر عرصه های فعالیت تولیدی به وجود می آیند.

ب - شورای عالی خلق های ایران که از درون شوراهای

۳ اقتصاد کشور در جهت

منافع کارگران و زحمتکشان بازسازی شود

کود شیمیائی، کمک های مالی و تامین ماشین آلات کشاورزی و همچنین تضمین خرید محصولات به قیمت مناسب و منع ورود کالاهای مشابه خارجی مورد حمایت قرار گیرند.

تمام بدهی های دهقانان باید فوراً لغو شود.

و - کارخانجات و موسسات بزرگ تولیدی باید در چارچوب برنامه ریزی عمومی اقتصاد، توسط شورای کارگران و کارمندان آنها اداره و کنترل شوند.

و کار دائم و مناسب برای همه کارگران تامین شود. پرداخت حقوق بازنشستگی، بیکاری و ازکار افتادگی برای همه تضمین شود. ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه به مثابه حق قانونی طبقه کارگر به رسمیت شناخته شود.

ح همه قوانین ضد کارگری فوراً لغو و قانون جدید کار توسط نمایندگان واقعی کارگران تدوین گردد.

ط حداقل دستمزد با توجه به هزینه زندگی و سطح تولید ملی پیوسته ترمیم شود.

الف - برنامه ریزی عمومی اقتصاد با تاکید بر پایه ریزی و گسترش صنایع بنیادی در جهت رشد تولید ملی و رفع نیازهای مردم باید توسط دولت تنظیم و به اجرا گذاشته شود.

ب - به منظور دفاع از رشد تولید ملی و گسترش صنایع بنیادی، بازرگانی خارجی بطور کامل در اختیار دولت قرار گیرد.

ج - تمام ذخائر زیرزمینی و منابع طبیعی، ملی اعلام شود.

د - زمین های زمینداران بزرگ فوراً مصادره شود و بطور رایگان در اختیار شوراهای دهقانی که روی آنها کار می کنند، قرار گیرد.

ه - دهقانان و خورده مالکین در اتحادیه های تعاونی تولید کشاورزی گرد آیند و با توزیع بدر مرغوب

سرمایه داری وابسته بوده و هست. این ارتش باید همراه با دیگر نهادهای اداری بجا مانده از رژیم شاه، جای خود را به ارتش توده های و دستگاه های نوین اداری که در جهت منافع و نیازهای توده ها تاسیس می شوند، بدهند.

ه - احزاب و محافل طبقه سرمایه دار، قاطعانه سرکوب شده و شبکه های جاسوسی و باندهای سیاه امپریالیستی پیگیرانه سرکوب و متلاشی شوند.

توده ها یعنی همان ارتش خلق است. در برابر هرگونه تجاوز و تهاجم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار باید کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق در سراسر ایران در کنار کار و فعالیت روزمره خود، آموزش نظامی دیده و مسلح شوند. تنها ضامن پاسداری از حاکمیت توده ها و دفاع از میهن دمکراتیک، بسیج مسلحانه خلق است.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

رفسنجانی از مدنی‌ها پشتیبانی می‌کند

* چرا وزارت کشور وقتی آیت‌الله خمینی می‌گوید: "رئیس جمهور باید سوابقش خوب باشد و در رژیم سابق وارد نشده باشد"، فوراً مدنی‌ها را حذف نمی‌کند؟

حجت‌الاسلام رفسنجانی در گفتگوی تلفنی با خبرنگاران که روز دوشنبه اول بهمن ماه در اخبار ساعت ۲ بعد از ظهر از رادیو پخش شد، گفت: "وقتی امام خمینی فرمودند کسی که به قانون اساسی رای نداده صلاحیت رئیس جمهور شدن ندارد ما هم نام مسعود رجوی را حذف کردیم." در اینجا جالب است توجه کنیم وقتی آیت‌الله خمینی دستورات ضد مکرانیک صادر می‌کند، مجری فرمان یعنی رفسنجانی وزیر کشور فوراً دست به کاری می‌شود و مسعود رجوی را از لیست کاندیدها حذف می‌کند. اما وقتی آیت‌الله خمینی بارها تاکید می‌کند، حتی فرمان می‌دهد که "شخص رئیس جمهور باید سوابقش خوب باشد و در رژیم سابق هیچگاه وارد نشده باشد" وزارت کشور در این مورد کوچکترین اقدامی نمی‌کند و رفسنجانی این بار آن را از این گوش می‌شنود و از گوش دیگر در می‌کند و نتیجتاً مدنی در لیست باقی می‌ماند. چرا؟ چونکه اگر می‌خواست به این فتوا هم گوش بدهد می‌بایست اسم مدنی را هم حذف می‌کرد و این چیزی

نیست که رفسنجانی‌ها خواهان آن باشند. مدنی از رفسنجانی پشتیبانی می‌کند و هر دو خدمتگزار سرمایه‌داری وابسته هستند و هر دو می‌خواهند نظام سرمایه‌داری وابسته را حفظ کنند. آری، وزیر کشور، رفسنجانی اول منافع طبقه سرمایه‌دار را می‌سنجد، چنانچه حذف نام یک کاندیدا به سود سرمایه‌داران باشد، این کار را می‌کند ولی وقتی به زیان سرمایه‌دار تمام شود هرگز چنین کاری را نخواهد کرد.

رئوس برنامه حداقل...

بقیه از صفحه ۴

حقوق دمکراتیک مردم تضمین شود

الف - آزادی کامل فعالیت جمعیت‌ها و سازمان‌های سیاسی انقلابی و مترقی باید تضمین شود.

ب - آزادی قلم و بیان و عقیده و مذهب برای تمام مردم تامین گردد.

ج - آزادی اجتماعات، تظاهرات و راهپیمایی‌ها و برگزاری مجامع در جهت تحکیم حاکمیت توده‌ها بطور کامل تضمین گردد.

د - آزادی فعالیت سندیکاها، اتحادیه‌ها و

دیگر سازمان‌های صنفی تضمین شود.

ه - برابری کامل حقوق زنان با مردان در همه شئون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید تامین شود.

و - هرگونه ستم ملی باید از میان برداشته شود. حق خودمختاری کامل تمام خلق‌های ایران باید به رسمیت شناخته شود. یعنی بجز در امور مربوط به دفاع ملی، سیاست خارجی، برنامه ریزی عمومی اقتصادی و بازرگانی خارجی، اداره بقیه امور به شوراهای خود مختار خلق‌ها واگذار گردد.

رفاه زحمتکشان باید تامین شود

الف - برای همه زحمتکشان باید مسکن تامین شود. در وهله اول از طریق صادره ساختمان‌های سرمایه‌داران و سپس از طریق سرمایه‌گذاری دولتی باید مسکن مناسب در اختیار همه زحمتکشان قرار گیرد.

ب - همه زحمتکشان باید از آموزش و پرورش برخوردار باشند. آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه اجباری و در تمام سطوح از کودکان تا دانشگاه باید رایگان باشد.

ج - آموزش زحمتکشان باید جزء ساعات کار محسوب شود و به همه کسانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانند در کارخانه و اداره و مدرسه و غیره آموزش داده شود.

سیاست خارجی باید در خدمت منافع مردم ایران و بیکار جهانی علیه امپریالیسم در آید

الف - سیاست خارجی ایران آزاد و دمکراتیک باید وظیفه دفاع از حاکمیت توده‌ها، حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی میهن دمکراتیک و پیشرفت اقتصادی را برعهده گیرد.

ب - در عرصه جهانی، کشورهای سوسیالیست و ملل آزاد شده، طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی و خلق‌های کشورهای تحت

سلطه، همگی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که دشمن اصلی تمام خلق‌های جهان است، متحد و دوست یکدیگرند. سیاست خارجی ایران باید روابط بین این دوستان را تحکیم بخشد و در بیکار جهانی علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری به پشتیبانی فعال از طبقه کارگر سراسر جهان و خلق‌های تحت ستم و همه‌نیروهای انقلابی برخیزد

تیمسار مدنی را...

همین را می‌گفت. سبب زاهدی نیز پس از کودتای ۲۸ مرداد همین حرف‌ها را می‌زد. تیمسار مدنی نیز مرتباً از نظم صحبت می‌کند و مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما را هرج و مرج می‌نامد. او نیز مثل رهبران امریکایی و سرمایه‌داران داخلی آرزو دارد که هرچه زودتر در ایران نظم و حکومت قانونی برقرار شود. نظمی که او می‌خواهد آن است که سرمایه‌داران وابسته را مسلط گرداند. نظمی که تیمسار مدنی می‌خواهد در زمان شاه نیز در ایران وجود داشت. شاه نیز مثل تیمسار مدنی معتقد بود که کوچکترین دخالت مردم و حرکت مردم را باید به بهانه مبارزه با هرج و مرج به خاک و خون کشید. مردم آگاه ایران نظم دلخواه مدنی و سایر فرماندهان ارتش را کمال بی‌نظمی می‌دانند و همانگونه که در قیام خونین خود نشان داده‌اند چنین نظمی را که برای استثمار و غارت خلق‌های ایران استقرار می‌یابد، با نثار خون خود در هم خواهند کوبید.

مدنی در سال سرکوب خونین ۴۲، سالی که هزاران تن از مردم مبارز میهن ما به دست ارتش قتل عام شدند همه جا به ستایش از شاهنشاهی و خاندان پهلوی و ارتش ضد خلقی شاه مشغول بود (کتاب خلیج فارس، انتشارات رادیو سال ۴۲) مدنی در آستانه قیام در منزل درخشش که یکی از لانه‌های "سیا" در میهن ما بود، علیه مردم ما نقشه می‌کشید. مدنی بزرگترین افتخار خود را سرکوب زحمتکشان خوزستان به ویژه خلق عرب می‌داند و با هوچیگری اعلام می‌کند که او به آن دلیل مردم خوزستان را کشتار کرده است که آنها خواستار تجزیه خوزستان بوده‌اند. اگر او حرف‌های شاه را فراموش کرده است، مردم ایران به خوبی به یاد دارند که شاه نیز برای توحیه سرکوب‌های خلق کرد و خلق آذربایجان همین دروغ‌ها را به خورد مردم می‌داد. مدنی که بنا به اسنادی که قبلاً در نشریه "کار" چاپ شده است، در خوزستان اوباش و معاوکی‌ها را به دور

اقتصاد کشور در جهت منافع کارگران و زحمتکشان برقرار شود

بازتاب شرکت رجوی در انتخابات ریاست جمهوری و پی آمدهای حذف وی

آنکه محتوای سخنرانی های خود را به باز کردن آن فلسفه آزادی اختصاص دهد که این روزها بیش از همه حربه دست لیبرال ها شده است ، می بایست ضرورت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - ضد سرمایه داری لیبرال تاکید می کرد .
اعلام کاندیداتوری مسعود رجوی و پشتیبانی میلیونی مردم و سازمان های

جلوگیری از ادامه مبارزه انتخاباتی مسعود رجوی ، خلق های میهن ما و در پاس همه خلق قهرمان کرد و اقلیت های مذهبی را که تماما از رجوی جانبداری کرده اند نسبت به روحانیست بی اعتماد تر می کنند و بخصوص که حل مسالمت آمیز و عاجل مساله کردستان را با دشواری های جدیدی مواجه می سازد . امری که به هیچ روی به سود جنبش

چنانچه مسعود رجوی در برنامه و سخنرانی های خود ، سرز روشن تری بین خود و تمام جریان های واقعی لیبرالی که از وی حمایت کرده اند ، می کشید ، طبعاً به منفرد کردن نیروهای لیبرال و جدا کردن صف آنها از صف نیروهای ضدامپریالیست - دمکراتیک کمک بیشتری می کرد .

سیاسی مترقی از وی و وحدتی که حول این پشتیبانی ایجاد شد فی نفسه و قطع نظر از حذف نام وی یک پیروزی بزرگ برای جنبش ضد امپریالیستی خلق های ایران به شمار می رود . اما حذف نام وی از لیست کاندیدها در شرایطی صورت گرفت که نام های از قبیل مدنی ، قطب زاده و طباطبائی رادر فهرست باقی گذاشته اند این امر : با توجه به این که فتوای حذف از جانب آیت الله خمینی صادر شده است ، در شرایط فعلی می تواند باعث گمراهی توده های ناآگاه شود ، هر چند که ذهن بخش های وسیعی از مردم را نسبت به حقایق بازتر خواهد کرد و گروه های بسیاری از مردم به وضوح می بینند که روحانیت در حالی که نسبت به احزاب و محافظان سرمایه داری به سازشکارانه خود ادامه می دهد نیروهای انقلابی ضدامپریالیست و ضد سرمایه داری را مورد هجوم بیشتری می کند (از جمله رجوی به جای آن که در برنامه اش از آزادی کامل فعالیت همه احزاب و سازمان های سیاسی با هر عقیده و مرام دفاع کند ، می بایست روی ضرورت تامین آزادی کامل احزاب و سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی با هر عقیده و مرام و سرکوب فاطانه احزاب رجوایی و امپریالیسم لیبرال می کرد یا به جای

ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران نیست . حذف مسعود رجوی از لیست کاندیدهای ریاست جمهوری ضمن رشد آگاهی بخش هایی از توده ها موجب تفرقه در صفوف خلق و گمراه شدن توده های ناآگاه در شناخت دوستان و دشمنان واقعی آنان خواهد شد .
حذف نام مسعود رجوی بخش پیشرو توده را آگاه تر و اقتضاری از مردم را آگاه اولین جرقه های آگاهی از ذهنشان گذشته است نسبت به ترکیب واقعی صف نیروهای مترقی انقلابی و ضدامپریالیست مشیارتزوبینا خواهد ساخت . البته چنانچه مسعود رجوی در برنامه و در سخنرانی های خود مرز روشن تری بین خود و تمام جریان های واقعی لیبرالی که از وی حمایت کرده اند ، می کشید . طبعاً به منفرد کردن نیروهای لیبرال و جدا کردن صف آنها از صف نیروهای ضدامپریالیست - دمکراتیک کمک بیشتری می کرد (از جمله رجوی به جای آن که در برنامه اش از آزادی کامل فعالیت همه احزاب و سازمان های سیاسی با هر عقیده و مرام دفاع کند ، می بایست روی ضرورت تامین آزادی کامل احزاب و سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی با هر عقیده و مرام و سرکوب فاطانه احزاب رجوایی و امپریالیسم لیبرال می کرد یا به جای

خواب های شیرین آقای بی صدر . . .

همانگونه که در مورد شورای بانک ها گفته است ، اعتقاد دارد که اعضای "شورا" را دولت بایست انتخاب کند نه مردم . در برخورد با مسئله خود مختاری خلق های که برای کسب حقوق ملی و قومی مبارزه می کنند موضع آقای بی صدر روشن است . زمانی بهتر می توان نحوه برخورد ایشان را ارزیابی کرد که به مقالات روزنامه انقلاب اسلامی که در این زمینه نوشته شده ، مراجعه کنیم :
" بنی صدر در پاسخ یک پرسش در باره طرح خود مختاری و استقلال خودگردانی گفت . چرا کشورهای اروپایی بازار مشترک تشکیل می دهند . . . چون دنیای ما دنیای واحدهای کوچک نیست کشوری مثل ایران وقتی شب و روز هم کار کند مشکل می تواند همه نیازهای خود را تامین کند چه برسد به این که به واحدهای کوچک هم تجزیه بشود ."
آقای بی صدر که دکترای اقتصاد را نیز دارد آیا نمی دانند که " جامعه بازار مشترک " اتحادی است از انحصارات امپریالیست های اروپائی برای غارت و چپاول کشورهای نظیر ما ؟ اگر می دانند پس چنین خلط میحی به چه معنی است ؟ لازم است به ایشان بگوئیم که اتفاقاً مسئله خود مختاری خلق های ایران تنها ضامن وحدت و همبستگی مردم میهن ماست و طرح مسئله به صورت " تجزیه طلبی " تنها نادیده گرفتن خواست میلیون ها ایرانی است که اعتقاد دارند در ایران آزاد و دمکراتیک باید از حق تعیین سرنوشت

بنی صدر دهقانان را به زمین های بایری که هنوز آباد نشده حواله می دهد و مدعی می شود که به این ترتیب خواست میلیون ها دهقان ایرانی تامین می گردد دهقانان زحمتکش میهن ما بهتر از هر کسی می دانند که این راه حلی که آقای بی صدر اختراع کرده است فقط به درد خود آقای بی صدر می خورد .
دهقانان خواستار عملی شدن شعار " زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند " هستند و مسئله اساسی آنها بازپس گرفتن زمین های آباد و حاصلخیزی است که به حق خود را صاحبان واقعی آن می شناسند بنی صدر در سرتاسر مصاحبه خود به جای تاکید بر این واقعیت که دشمن اصلی خلق های ایران امپریالیسم امریکا است ، همه جا بطور مبهم و کلی از " قطع وابستگی به ابر قدرت ها " یاد کرده است این سیاست آقای بی صدر به مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران صدمات جدی وارد می آورد .
آقای بی صدر باید بداند که امروز هدف دشمنان خلق های ایران منحرف کردن سمت مبارزه مردم میهن ما علیه امپریالیسم امریکا است . و طرح مسئله به شکل قطع وابستگی به " ابر قدرت ها " جهت مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ما را منحرف می سازد . آقای بی صدر بطور کلی از به کار بردن کلمه " امپریالیسم " نیز هراس دارد و در صحبت های خود این کلمه را بر زبان نمی آورد .
بنی صدر شوره های واقعی مردم را نیز قبول ندارد و

بقیه از صفحه ۱
و برخورداری از زبان ، فرهنگ و تمامی خصیصه های قومی و ملی خود برخوردار باشند . آقای بی صدر بایست بدانند که کسانی که در عمل وحدت خلق های ایران را به مخاطره می اندازند که حق خود مختاری خلق ها را نادیده گیرند .
آقای بی صدر بارها مخالفت خود را با کمونیست ها آشکار کرده است و بدون شک اینگونه گرایشات ایشان نیز آسیب های جدی به مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما که به ناگزیر اتحاد همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک را می طلبد ، وارد می کند .
بنی صدر با سیاست ها و اعتقاداتی که عنوان کردیم هیچ وقت نتواند قادر نخواهد بود مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را پیش راند بلکه با اتخاذ سیاست های نادرستی که از آن سخن گفته است ، به گمان ما به مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ما در تحلیل نهایی ضربات سختی وارد خواهد آورد . هر چند در مجموع نشان می دهد که مخالف امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است ، از آنجا که او در مجموع خواهان سرمایه داری " مشروع " و محدود است ، نخواهد توانست سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود سازد . زیرا سرمایه داری به هر شکلی که بماند به سرعت وابسته خواهد شد .
مردم آگاه ما می دانند که خواب های آقای بی صدر با واقعیت های جامعه ما فرسنگ ها فاصله دارد . از این رو است که راه حل های آقای بی صدر نمی تواند مسائل و دشواری های زحمتکشان ما را حل کند .

رهنمود به هواداران در مورد برگزاری انتخابات

از همماعضاء و هواداران سازمان درسراسر میهن می خواهیم که در روزهای پنچشنبه و جمعه چهارم و پنجم بهمن ماه از هرگونه تظاهرات و از پخش هرگونه تراکت ، اعلامیه و غیره خودداری کنند و هیچ گونه بهانه ای به دست محافلی که می خواهند از حوادثی که خود پدید میاورند علیه جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران بهره برداری کنند ، داده نشود .

حقوق دمکراتیک مردم تضمین شود

«آیت» خواهان

سرکوب خلقهای ایران است

خواهد داد و پیام آور جنگ و خونریزی خواهد بود او که در سخنان خود مرتباً از قاطعیت رئیس‌جمهور دم می‌زد، ناگهان نیست واقعی خود را آشکار کرد و گفت: «البته مقصود من از قاطعیت آن نیست که همه مردم را از دم تیغ بگذرانند.»

بدین ترتیب کسانی هم که تاکنون از مقاصد کاندیدای شمشیر به دست حزب جمهوری اسلامی اطلاع نداشتند به وضوح دیدند که مقصود او از قاطعیت آن نیست که با امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته مبارزه کند، بلکه او می‌خواهد مردم را سرکوب کند و از دم تیغ بگذراند اما بقول خودش «البته نه همه مردم را» البته ایشان و حزب جمهوری اسلامی می‌دانند که امپریالیسم آمریکا و ارتش ضد خلقی آریامهری نیز نتوانستند همه مردم را از دم تیغ بگذرانند. آیت نشان داد طرفدار یک ارتش قوی نیز هست که البته چنین ارتشی را برای سرکوب مردم لازم دارد.

آیت در سخنرانی خود نشان داد که به عنوان سخنگوی حزب جمهوری اسلامی وحدت خلقهای ایران می‌داند. او در این سخنرانی با صراحت نشان داد که به حل صلح‌آمیز مسئله کردستان اعتقاد ندارد او سیاست مذاکره را «باج دهی» نامید و بر سیاست جنگ طلبانه حزب جمهوری اسلامی تأکید کرد و البته مردم ایران به خوبی به یاد دارند که شاه نیز در جریان سرکوب مردم ایران می‌گفت «من باج نمی‌دهم» آیت نشان داد که تا چه اندازه از حوادث عقب مانده و هنوز نمی‌داند که سیاست سرکوب مردم، یعنی سیاست مورد علاقه حزب او چه شکست بزرگی از جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد خورده است.

او ثابت کرد که اگر رئیس‌جمهور شود همه قدرت خود را برای سرکوب خلق‌ها به کار خواهد گرفت و بهانه وحدت، وحدت خلق‌های ایران را با خطرات جدی روبرو خواهد ساخت.

آیت که یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی است، نشان داد که نماینده واقعی این حزب و روزنامه‌ها تاریک اندیشان و سرکوبگران یعنی روزنامه جمهوری اسلامی است.

او در آغاز سخنان خود گفت: «جلال‌الدین فارسی خودش از ریاست جمهوری منصرف شد.»

البته اکثریت مردم می‌که سخنان آیت را گوش می‌دادند دریافتند که او به آنها دروغ می‌گوید. اغلب مردم ایران این را می‌دانستند که نه جلال‌الدین فارسی می‌خواست از انتخابات کنار برود و نه حزب جمهوری اسلامی. بلکه جلال‌الدین فارسی وقتی فهمید که جناح نیرومندی از روحانیت از او طرفداری نمی‌کند، ناچار نامزدی خود را پس گرفت.

آیت، کاندیدای دیگر حزب جمهوری اسلامی در سخنرانی‌های انتخاباتی خود نشان داد که اگر رئیس‌جمهور شود، دقیقاً مشی حزب جمهوری اسلامی را ارائه

جمهوری اسلامی ایران با چه کسانی...

بقیه از صفحه ۱

لطف دارند، لذا از انقلاب و قیام و ارتحولاتی که پدید آمده ناراحت هستند و تا وقتی این آقایان سرکار باشند طبیعی است که در برابر نیروهای مترقی و ضد امپریالیست به هر حیل و بهانه به مخالفت برخیزند و با انقلابیون کمونیست که دشمن طبقه سرمایه‌دار و مداخله‌طلبکار و مردم زحمتکش هستند، تا آنجا که می‌توانند دشمنی کنند.

آقای مدنی با پول و کمک‌های سخاوتمندانه سرمایه‌داران یاری می‌شود تمام شهرهای ایران از عکس‌هایش که با لبخند خود به خون شهیدان نیشخند می‌زند، پوشیده می‌شود و نصف وقت شبکه تلویزیونی را که در روزهای قیام با جانپازی انقلابیون به دست مردم افتاد به خود اختصاص می‌دهد، تا امیدهای آمریکا بر باد نرود و حکومت تماماً بیفتد. وقتی اوضاع اینطور باشد بدیهی است که انقلابیون کمونیست را که از حقوق کارگران و دهقانان حرف می‌زنند ضدانقلابی معرفی می‌کنند و هر نیروی دمکرات را برای ریاست جمهوری غیر صالح اعلام می‌دارند.

و سنگرهای شاه را فتح کردند " ضد انقلاب " نامیده می‌شوند.

این حقایق نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی ایران نه تنها نسبت به سرمایه‌داران لیبرال سازش داشته است بلکه اکثریت شورای انقلاب اسلامی ایران و مسئولین اکثر وزارتخانه‌ها و تقریباً همه فرماندهان ارتش، همه و همه ماهیتا لیبرال هستند و بیشتر از سرمایه‌داران لیبرال حمایت می‌کنند تا نیروهای ضد امپریالیست و درسیبایی وارد همان عوامل و کارگزاران رژیم شاه هستند که فعلاً به اقتضای زمان در سلک جمهوری اسلامی درآمده‌اند به هر حال مهم‌ترین پست‌های دولتی این جمهوری فعلی تحت نفوذ این عناصر قرار دارد.

یک روز دست بازرگان‌ها و یزدی‌ها و امیران نظام‌ها رومی‌شود و روز دیگر نقشه‌های پشت پرده حجت‌الاسلام خامنه‌ای، حجت‌الاسلام بهشتی و حجت‌الاسلام رفسنجانی فاش می‌گردد. این مسایل به این دلیل پیش می‌آید که گردانندگان دولت جمهوری اسلامی طرفدار سرمایه‌دار و سرمایه‌داری هستند، به همین دلیل به امپریالیسم آمریکا نظر

اقدامات ضد دموکراتیک و حمایت روحانیت راه را برای انتخاب حبیبی باز کرده است

جمهوری شود که احتمالش زیاد است، تنها به برکت حمایت روحانیت به این پست می‌رسد که این خود نشانه شرایط غیردموکراتیک و تاثیر مستقیم نفوذ روحانیت در سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری است. نفوذی که می‌تواند شخصیتی ناشناخته را به توده‌ها تحمیل کند.

ماهیت طبقاتی حبیبی و یاران او هرچه باشد در حال حاضر او به عنوان کاندیدای جناح‌های نیرومند روحانیت، به ویژه حوزه مدرسین قم به میدان آمده است و ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که روحانیت او را شخصیتی می‌پندارد که نسبت به تمایلات روحانیت حاکم از هر نظر حرف شنوی خواهد داشت و از همین رو شناخته‌شده مقام ریاست جمهوری است.

حسن حبیبی که اینک به عنوان یکی از شانس‌های مسلم ریاست جمهوری اسلامی ایران از وی نام برده می‌شود تا همین چند روز پیش چهره‌ای ناشناخته بود. او که مدتی است سخنگوی شورای انقلاب است، در گذشته در جبهه ملی فعالیت داشته است. حبیبی پس از برکناری جلال‌الدین فارسی مورد حمایت بسیاری از محافظ مقتدر روحانیت قرار گرفته و عملاً با دخالت روحانیت به پست ریاست جمهوری نزدیک شده است.

حبیبی مدتی است که وزیر علوم و آموزش عالی و عضو شورای انقلاب است. اما او نه یک چهره معروف سیاسی در فاههای گذشته بوده و نه یک شخصیت مبارز دوران پیش از قیام. اگر او رئیس

ما می‌گوئیم رئیس جمهور باید:	امام خمینی می‌گوید رئیس جمهور باید:
● همواره با رژیم سابق مبارزه کرده باشد	● در رژیم سابق هیچگاه وارد نشده باشد
● با اجانب پیوند نداشته باشد، با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان پیوند داشته باشد	● با اجانب پیوند نداشته باشد
● به مذهب مردم احترام بگذارد، به آداب و سنن ملی متعهد باشد	● از همه متعهد تر به اسلام باشد
● دشمن امپریالیسم باشد، دوست زحمتکشان سراسر جهان باشد	● نه شرقی باشد، نه غربی باشد
● در طول زندگی همواره در ره خلق فداکاری و جانپازی کرده باشد	● سوابقش خوب باشد

رفان زحمتکشان باید قایلین شود

تیمسار مدنی روز ۳ آذر

« برای مقابله با تجاوز آمریکا » به نیروی دریائی آماده باش میدهد

و روز ۲۱ آذر

« برای مقابله با تجاوز آمریکا » از آمریکا درخواست قطعات موشک می کند!

تیمسار معلوم الحال رژیم شاه که الفبای کارش را نزد استادان امریکائی فرا گرفته و سالها زیر دستان آنان تعلیم دیده است اخیرا پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی شده است و به اصطلاح " برای مقابله با تجاوز آمریکا " روز سوم آذر به نیروی دریائی " آماده باش می دهد و " خبرگزاری ها و مطبوعات جهان بیوگرافی و ارزشهای فرماندهی و آد میرال دکتر مدنی و نیز فرماندهان ناوگان ششم و هفتم آمریکا و ژنرال جانسون رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا را که ایستک در برابر هم قرار

گرفته اند. انتشار داده اند: (اطلاعات شنبه سوم آذر)

اما کودک دبستانی هم می فهمد که این حرفها همه دروغ و عوامفریبی است. در همین روزها مطابق سندی که در زیر آمده است مدنی با جانسونهای امریکائی پنهانی برای خرید قطعات موشکهای ناوگان امریکائی که به اصطلاح قرار است همان جانسونها را هدف قرار دهد، مشغول معامله است.

یا امپریالیسم زیرک آمریکا آنقدر احمق شده است که به دشمنش که در حال جنگ با او است موشک می فروشد و بیاملا حساب کارش را دارد و

می داند با تیمسار مدنیها روبروست و نه یک نیروی دریائی مردمی و ضد امپریالیست مدنی می گوید:

در بزرگترین عرصه مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران ناوگان دریائی ایران حساسترین ماموریت تاریخی خود را آغاز می کند.

سند ضمیمه نشان می دهد که تیمسار مدنی با صرف هزینه های گزاف برای خرید قطعات موشک از آمریکا و فرستادن پرسنل جهت تعلیم زیر نظر مستشاران امریکائی به آمریکا " حساسترین ماموریت تاریخی خود " به شمار می آورد.

مدنی:

« بختیار مردی شریف، صادق و لایق بود »

" از مصاحبه مدنی با
لوموند - اریک ولو
(نقل از آیندگان عمر داد)

مردم می خواهند بدانند:
روزی میلیونها ریال خرج تبلیغات مدنی
از کجا تامین می شود

تیمسار مدنی سابق بنا " سید احمد مدنی " فعلی عضو شورای مرکزی جبهه ملی و از دوستان نزدیک بختیار است او بارها خود این نکته را بر زبان آورده است و علنا به دفاع از بختیار این نوکر جنایتکار امپریالیسم امریکائی پرداخته است. دفاع مدنی از بختیار و عضویت او در شورای جبهه ملی سرسخ روابطی را مشخص می کنند که در ماههای گذشته روزی

میلیونها ریال خرج تبلیغات انتخاباتی مدنی کرده اند. مردم می خواهند بدانند احمد مدنی پول گزافی را که خرج تبلیغات انتخاباتی می کند از کجا می آورد؟ از مردم زحمتکش یا از سرمایه داران وابسته به امپریالیسم؟

دوستی بختیار با مدنی و ارادتی که این تیمسار ارتش شاه نسبت به بختیار دارد همه سرخهارا به دست می دهد.

پنجشنبه ۱ آذرماه ۱۳۵۸ کیهان

به نیروی دریایی ایران آماده باش داده شد

ایران مستقر در هندوستان، خواهد بیست و هفتاد برای مدتی در ناوگان ایران خواهد ماند. تیمسار مدنی تاکید کرد: ما آماده و ترس از کسی نداریم و تا حد امکان کشتی یک و دو از خاکشترمان از دست برود.

ایران مستقر در هندوستان، خواهد بیست و هفتاد برای مدتی در ناوگان ایران خواهد ماند. تیمسار مدنی تاکید کرد: ما آماده و ترس از کسی نداریم و تا حد امکان کشتی یک و دو از خاکشترمان از دست برود.

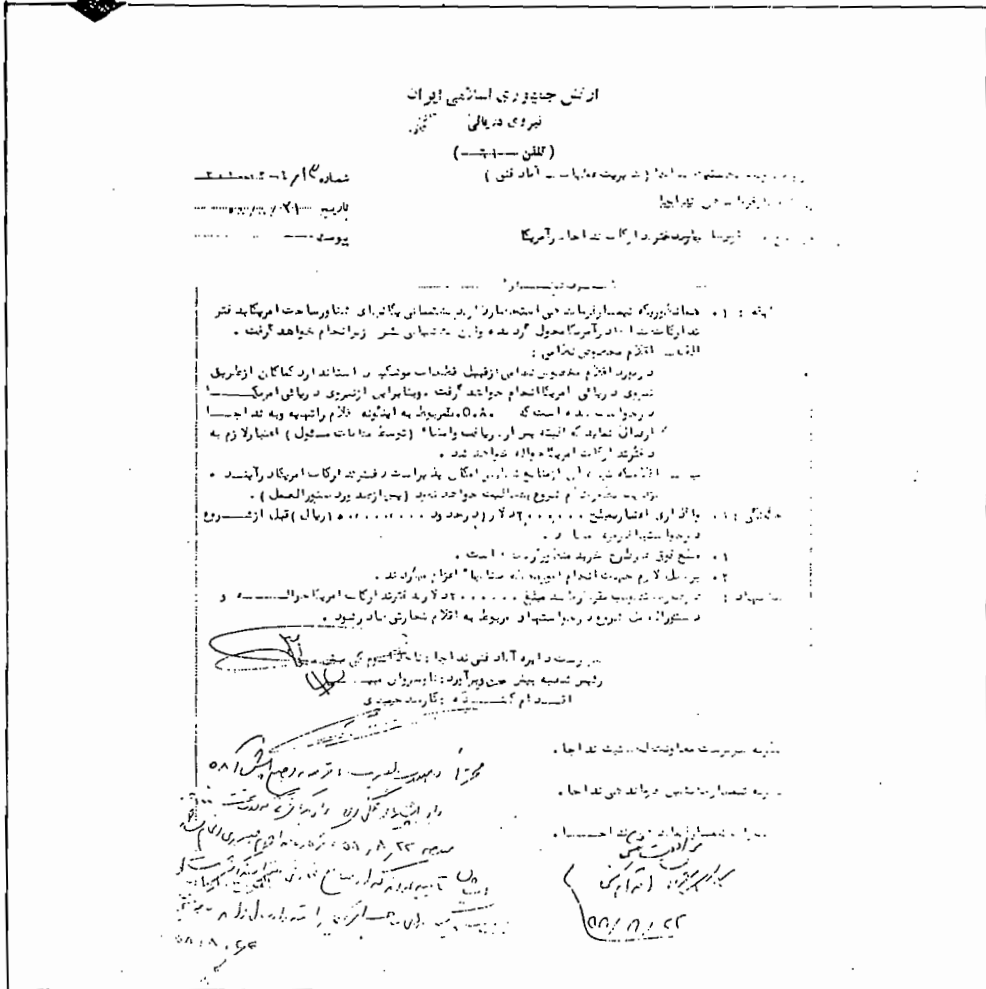
تسلیت

حادثه سقوط هواپیمای ۷۲۷ ملی که منجر به کشته شدن بیش از یکصد و بیست تن از هم میهنانمان شد، تاسف و تأثر مردم را در پی داشت.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به همه هم میهنان بویژه خانواده های کشته شدگان و هم چنین به کارگران و کارکنان هواپیمائی ملی تسلیت می گوید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۳ بهمن ۱۳۵۸



این سند یک بار در ضمیمه "کار" ۴۲ به چاپ رسید

وما به خاطر اهمیت زیاد سند بار دیگر به درج آن اقدام می کنیم

سیاست خارجی باید در خدمت منافع مردم ایران و پیکار جهانی علیه امپریالیسم درآید